



حضرت آیت الله العظمی جوادى آملی دامت برکاته

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدُوًّا حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُوا إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ (۹۰) الْآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ (۹۱) فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدْنِكَ لَتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَكَ آيَةً وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ (۹۲) وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مَبُوءًا صَدَقَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّى جَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۹۳)﴾

بعد از اینکه حجت ذات اقدس اله بالغ شد و همگان فهمیدند وجود مبارک موسای کلیم سلام الله علیه پیغمبر است و آنچه را که آورد معجزه‌ها و آیات الهی است و مزه از سحر است مع ذلك فرعون در صدد تعقیب بنی اسرائیل بود ذات اقدس اله به موسی سلام الله علیه وحی فرستاد که سحرگاه این قوم را حرکت بده به طرف نیل به طرف این دریای روان و هیچ کدام از اینها در مصر نمانند وقتی که به دریا رسیدند آنها گفتند به اینکه از جلو خطر غرق است و از پشت سر خطر شمشیر وجود مبارک موسای کلیم فرمود ﴿كَلَّا اِنْ مَعِيَ رَبِّ سَيَهْدِينِ﴾^۱ دستور آمد ﴿اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ﴾^۲ یا ﴿فَاضْرِبْ لَهُمْ فِي الْبَحْرِ طَرِيقًا يَبَسًا﴾^۳ و دریا وضعش به این صورت شد یعنی این دریای روان این نهر روان که آبهای رفته نمانده بودند رفتند و آبهای نیامده نیامدند و ماندند قهرا يك مسیر خشکی

۱ - سوره شعراء، آیه ۶۲

۲ - سوره شعراء، آیه ۶۳

۳ - سوره طه، آیه ۷۷

در وسط دریا پیدا شد این آبهای نیامده در حد ﴿كَالطُّودِ الْعَظِيمِ﴾^۱ مثل سلسله جبال روی همین سطح دریا صف کشیدند قهرا برای اینها يك طريق ييس شد این صحنه را وجود مبارك موسای کلیم به اذن خدا پیش آورد خود موسای کلیم و همراهانشان از این دریا گذشتند فرعونیان که از پشت سر رسیدند به دنبال اینها اینها فکر می کردند که برای آنها هم این حالت هست فرعون و اطرافیان و همراهان او وارد این مسیر خشك شدند وقتی بنی اسرائیل از دریا گذشتند ﴿و جاوزنا ببني اسرائيل البحر﴾ فرعونیا در وسط دریا غرق شدند یعنی آبهایی که تا حال مامور به ایستادن بود حالا روان شد ﴿حتى اذا دركه الغرق﴾ در اینجا فرعون احساس خطر نکرد بلکه خطر او را درك کرد دیگر قطعی شد عذاب يك وقت است يك عده ای در دریا می روند احساس خطر می کنند نه اینکه خطر قطعی باشد اینها هراسناك می شوند آن گاه ﴿دعوا الله مخلصين له الدين﴾^۲ خدا می پذیرد و اینها را نجات می دهد اما در جریان فرعون این طور نبود اینها عذاب الیم را دیدند نه حدس زدند به دلیل اینکه در این تعبیر فرمود ﴿حتى اذا دركه الغرق﴾ نه نزدیک بود غرق بشوند دیگر غرق شدند دلیل دوم آن است که وجود مبارك موسای کلیم و هارون سلام الله علیهما از خدای سبحان این چنین خواستند که ﴿فلا يؤمنوا حتى يروا العذاب الاليم﴾^۳ یعنی برای آنها مسلم بشود که عذاب رسیده است و عذاب را درك کنند و خدای سبحان هم به این دعا پاسخ مثبت داد فرمود ﴿قد اجيبت دعوتكما﴾^۴ طبق این دو شاهد جریان فرعون غیر از جریان ﴿حتى اذا ركبوا في الفلك دعوا الله مخلصين له الدين﴾ است آنها قطع به عذاب ندارند آنها همین که احساس خطر کردند ﴿دعوا الله مخلصين له الدين﴾^۵ اما فرعون خطر را

۱ - سورة شعراء، آیه ۶۳

۲ - سورة يونس، آیه ۲۲

۳ - سورة يونس، آیه ۸۸

۴ - سورة يونس، آیه ۸۹

۵ - سورة يونس، آیه ۸۸

یافت نه تنها احساس کرد هم تعبیر ﴿أدرکه الغرق﴾ شاهد است هم دعای موسی و هارون سلام الله علیهما این بود که ﴿فلا يؤمنوا حتی یروا العذاب الالیم﴾ خدای سبحان هم فرمود ﴿قد اجیبت دعوتكما﴾ اینها شاهد آن است که عذاب آمده در آن حال البتہ ایمان اثر ندارد این شنیده بود که پیروان موسای کلیم (سلام الله علیه) بین ایمان قلبی و اسلام عملی جمع کردند در آن مسئله رهنمود موسای کلیم که در آیه ۸۴ همین سوره یونس که قبلاً بحث شد چنین آمده است ﴿و قال موسی یا قوم ان کنتم آمنتم بالله فعلیه توکلوا ان کنتم مسلمین﴾^۱ اگر قلباً ایمان دارید یک و عملاً تسلیم هستید دو، توکل کنید این توکل مسبوق به آن ایمان و ملحق به این استسلام و اتقیاد و اسلام عملی است در وسط آن ایمان قلبی و این اسلام عملی مسئله توکل طرح شده است یک چنین چیزی کمال است فرعون خیال کرد که در حال غرق هم این هم کمال است لذا گفت ﴿آمنت انه لا اله الا الذی آمنت به بنو اسرائیل و انا من المسلمین﴾ یعنی قلباً مؤمن، عملاً تسلیم خب این در حال ﴿أدرکه الغرق﴾ نه آن ایمان قلبی سودآور است نه این تسلیم عملی نافع است گرچه هم ایمان را مطرح کرد هم اسلام را هم ایمان قلبی را هم اسلام عملی را اما در حال ﴿أدرکه الغرق﴾ سودی ندارد لذا ذات اقدس اله به او فرمود ﴿الان و قد کنتم﴾ در همین سوره مبارکه یونس قبلاً مطرح شد که ایمان یک حدی دارد یک محدوده‌ای برای قبول ایمان هست آیه پنجاه همین سوره مبارکه یونس که قبلاً بحث شد این بود ﴿قل أرایتم ان اتاکم عذابه بیاتا او نهارا ماذا يستعجل منه المجرمون * اثم اذا ما وقع امنتم به الان و قد کنتم به تستعجلون﴾ این یک اصل کلی است اختصاصی به فرعون ندارد حالا فرعون عذابش بدتر است ﴿يقدم قومه یوم القيامة فاوردھم النار الورد و بئس الیوم المورود﴾^۲ این جزء ائمه کفر است ﴿کذاب آل فرعون﴾^۳ است ﴿وقود

۱ - سوره یونس، آیه ۸۴

۲ - سوره هود، آیه ۹۸

۳ - سوره آل عمران، آیه ۱۱

النار^۱ است اینها خصوصیات این گروه است اما اصل کلی قرآنی این است که انسان مادامی که مکلف است ایمان و اسلامش مقبول است مادامی که تکلیف تبدیل شده است به پاداش دیگر ایمان سودی ندارد در حال احتضار یا در حال قطع به عذاب الاهی که خدا دارد عذاب می‌کند نه يك حادثه‌ای پیش آمده است به عنوان آزمون اینجا اگر يك حادثه‌ای پیش بیاید به عنوان آزمون انسان نمی‌داند عذاب الاهی است ممکن است اصلاً آدم را نجات بدهد اما اگر برایشان معلوم باشد که ﴿حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ﴾^۲ خدا دارد عذاب می‌کند آن وقت دیگر ایمان مقبول نیست این يك اصل کلی است در آیه پنجاه همین سوره مبارکه یونس فرمود ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيَاتًا أَوْ نَهَارًا﴾^۳ حالا در بیتوته شب یا در اثنای روز فرق نمی‌کند ﴿مَاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمَجْرُمُونَ﴾^۴ تبهکار شتابزده چه کاری را انجام می‌دهد اگر بخواید ایمان بیاورد به او گفته می‌شود ﴿إِثْمَ إِذَا مَا وَقَعَ أَمْنْتُمْ بِهِ﴾^۵ حالا که این عذاب اتفاق افتاده داری ایمان می‌آوری؟ ﴿الآن وَ قَدْ كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ﴾^۶ شما که شتابزده به طرف بیراهه می‌رفتید

سؤال: ... جواب: نه خب بالاخره عفو الاهی حساب دیگری دارد ممکن است ذات اقدس الاله در دنیا عفو بکند ولی انتقام‌گیری خدا که ﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ﴾^۷ همین دعای معروف «یا مَنْ يَقْبَلُ الْيُسْرَ وَيَعْفُو عَنْ الْكَثِيرِ»^۸ همین است از خیلی از لغزشها ممکن است خدا صرف نظر بکند بعداً انتقام بگیرد غرض آن است که يك اصل کلی است اختصاصی به فرعون ندارد درباره دیگران هم همین آیه پنجاه و ۵۱

۱ - سوره آل عمران، آیه ۱۰

۲ - سوره یونس، آیه ۸۸

۳ - سوره یونس، آیه ۵۰

۴ - سوره یونس، آیه ۵۰

۵ - سوره یونس، آیه ۵۱

۶ - سوره یونس، آیه ۵۱

۷ - سوره شوری، آیه ۳۰

۸ - مفاتیح الجنان، ص ۲۰۱

سوره مبارکه یونس فرمود اگر کسی عذاب الاهی را دارد احساس می کند آن وقتی که عذاب الاهی بیاتاً او نهراً رسید کسی بخواهد ایمان بیاورد به او گفته می شود ﴿الان و قد کنتم به تستعجلون﴾^۱ این حق بود مطلب دیگر این است که گوینده ﴿الان و قد عصیت قبل و کنت من المفسدین﴾ معلوم نیست ذات اقدس الاله باشد بسیاری از موارد است که فعل فرشتگان را خدای سبحان به خود اسناد می دهد کارهای مباشرتی را به حسب ظاهر به خود اسناد می دهد معلوم نیست که ذات اقدس الاله به فرعون گفته باشد در قیامت اصلاً با اینها سخنی ندارد ﴿قال اخسؤا﴾ از همین است آنها بخواهند حرف بزنند هم ﴿قال اخسؤا﴾^۲ اخسؤا را به کلب می گویند یعنی ساکت باش اینها حتی اجازه عذرخواهی هم ندارند ﴿و لایؤذن لهم فیعتذرون﴾^۳ که يك مقدار عذرخواهی بکنند از نظر روانی سبک بشوند این چنین هم نیست از آیه برغی آید که ذات اقدس الاله مستقیماً به فرعون گفته است ﴿الان و قد عصیت قبل﴾ شاید ماموری از ماموران عذاب الاهی این را گفته باشد اینها هم که دارد جبرئیل (سلام الله علیه) گفته است آن هم بعید است تا ثابت بشود کار دشواری است جبرئیل (سلام الله علیه) هم با هر کسی سخن نمی گوید اینها زیرمجموعه فرشتگان عذاب اند حالا فرشتگان عذاب نظیر آنچه که در جهنم هستند ﴿علیها ملائکة غلاظ شداد لا یعصون الله ما امرهم و یفعلون ما یؤمرون﴾^۴ آنها هم زیرمجموعه فراوانی دارند این طور نیست که حالا هر کسی آن فرشته برتر با او سخن بگوید مثل مسئله قبض روح است قبض روح این طور نیست که برای هر کسی عزرائیل (سلام الله علیه) بیاید برای خلیها برای اوساط از انسانها همان زیرمجموعه حضرت عزرائیل (سلام الله علیه) می آیند که فرمود

۱ - سوره یونس، آیه ۵۱

۲ - سوره مومنون، آیه ۱۰۸

۳ - سوره مرسلات، آیه ۳۶

۴ - سوره تحریم، آیه ۶

﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا﴾^۱ آن مأموران، برای خواص از اولیای الاهی عزرائیل سلام الله علیه قبض روح می‌کند جبرئیل سلام الله علیه هم که مأمور ایصال علوم و معارف است هم همین‌طور است برای هر کسی جبرئیل نازل نمی‌شود انبیای الاهی و مانند آنها مهبط جبرئیل (سلام الله علیه) هستند و گرنه فرشتگانی که زیر مجموعه جبرئیل سلام الله علیه هستند ﴿مَطَاعٌ ثَمَّ آمِينَ﴾^۲ در آن دستگاههایی که دارد مطاع است و يك عده مطیع‌اند در آنجا او مطاع امین است يك عده هم از او اطاعت می‌کنند زیر مجموعه او هستند

سؤال: ... جواب: آنجا هم اجازه تعذیر هم نمی‌دهند اخسؤ هم می‌گویند می‌گویند ساکت باش ولی این چنین که گفتگو بکند و بگوید ﴿الآن و قد عصيت قبل﴾ دلیلی نیست به اینکه، حتی ﴿و كنت من المفسدين﴾ هم همین‌طور است

سؤال: ... جواب: وحی نیست همان‌طوری که ذات اقدس الاهی به ابلیس هم فرمود که ﴿فَاهْبِطْ مِنْهَا﴾^۳ اینها کلام الاهی است لکن آن وحی مقدس نیست ﴿فَاخْرِجْ مِنْهَا فَانَكَ رَجِيمٌ﴾^۴ اینها که فخرآور نیست مثل اخسؤ است «اخشؤ» ای را که عرب به کلب می‌گوید یعنی خاموش باش ساکت باش عو نكن این هم همان‌طور است وقتی که يك رمه‌دار به سگش می‌گوید اخسؤ یعنی عو نكن ذات اقدس الاهی هم به این‌گونه از کلاب در قیامت می‌گوید اخسؤ، اخسؤوا ﴿قَالَ اخسؤوا﴾^۵ حالا معلوم نیست ذات اقدس الاهی بگوید شاید فرشته‌ای از فرشتگان عذاب الاهی به اینها می‌گویند عو نكنید خیلی از موارد است ذات اقدس الاهی کارهایی را که فرشتگان او انجام می‌دهند به

۱ - سورة انعام، آیه ۶۱

۲ - سورة تکویر، آیه ۲۱

۳ - سورة اعراف، آیه ۱۳

۴ - سورة حجر، آیه ۳۴

۵ - سورة مومنون، آیه ۱۰۸

خودش اسناد می‌دهد ﴿الان و قد عصيت قبل و كنت من المفسدين﴾ می‌فرماید نه آن ایمان تو اثر دارد نه این اسلام تو برای اینکه آنچه را که در شناسنامه تو هویت تو را پر کرده است عصیان قبلی و افساد مستمر تو بود که این مفسد همان صفت مشبهه است که به صیغه اسم فاعل آمده نه اسم فاعل باشد آن‌گاه این توییخ بر توییخهای او افزوده شده است فرمود حالا که غرق است این‌طور نیست که جسم و جانت معذب بشود و جسمت را هم آب ببرد ما کاری که می‌کنیم جانت که معذب است که «حفرة من حفر النيران»^۱ اما برای اینکه عبرت دیگران بشوی اینها را می‌فرماید تا اینکه عذاب او عذاب الیم باشد این عذاب الیم که وجود مبارك موسى و هارون فرمودند از همین جا شروع می‌شود ﴿حتى يروا العذاب الالیم﴾^۲ که تألمات روحی را هم به همراه دارد خب دیگران غرق شدند اما دیگر توییخ و تعییر و سرزنش و اینها را نداشتند ولی به فرعون این سرزنشها و توییخ هست که می‌شود عذاب الیم فرمود ﴿فاليوم ننجيک بدنک﴾ تو را نجات نمی‌دهیم بدنت را نجات می‌دهیم چون پیوندی بین روح و بدن هست که بالاخره این دو تا يك واقعت را تشکیل می‌دهند نفرمود ﴿فاليوم ننجي بدنک﴾ فرمود تو را از راه بدن نجات می‌دهیم برای اینکه تو مؤلف از جان و بدن هستی

سؤال: ... جواب: باید سندش را دید ولی آنجا آن عذابهای کار قارون در این حد نبود چون آخر قارون عذاب نرسیده بود به او مگر به فرمان موسی سلام الله عليه آنجا هم ذات اقدس اله به خودش اسناد می‌دهد می‌فرماید ﴿فسخنا به و بداره الارض﴾^۳ ما این کار را کردیم آن هم باید ثابت بشود اگر هم بر فرض گفته باشد آن هم نظیر

۱ - من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۷۱

۲ - سورة يونس، آیه ۸۸

۳ - سورة قصص، آیه ۸۱

حرف فرعون است که ﴿الان و قد عصيت قبل و كنت من المفسدين﴾ این قانون که ﴿ما انّ مفاتحه لتنوّاً بالعصبة﴾^۱ اینطور بود دیگر مشکلات مالی مصر را می‌دیدند اینها بر ثروت خود می‌افزودند عده‌ای در رنج و فقر به سر می‌بردند اینها می‌گفتند ﴿انما اوتيته على علم عندى﴾^۲ آن خسف را خدای سبحان به خود اسناد می‌دهد می‌فرماید ما این کار را کردیم ﴿فخسفنا به و بداره الارض﴾^۳ البته دعا يك وقت خاصی دارد قبل از اینکه به آن مقطع نهایی برسد اثر دارد بعد دیگر اصل کلی همان آیه پنجاه و ۵۱ سوره مبارکه یونس است که خوانده شد به هر کسی باشد گفته می‌شود ﴿الان و قد منتم به تستعجلون﴾^۴

سؤال: ... جواب: بله خب دوباره ذات اقدس الاله این ذرات را به حال اولی برمی‌گرداند ولی فعلاً برای اینکه عبرت دیگران باشد ﴿لتكون لمن خلفك آية﴾ بالاخره این بدن‌ها بعد از چند سال که می‌پوسد دوباره ذات اقدس الاله قدرت دارد که ﴿من يحيى العظام و هى رميم﴾^۵ ولی فعلاً برای عبرت است این يك عذاب روحی برای فرعون است نه اینکه فرعون مرده باشد و خدای سبحان بدن او را روی تلّی یا جایی گذاشته باشد دیگران عبرت بگیرند بلکه در همان حال گفتگو که فرعون گفت ﴿وانا من المسلمين﴾ خدا هم فرمود یا مثلاً مأمور الاهی فرمود ﴿الان و قد عصيت قبل﴾ در همین حال برای اینکه عذاب او گذشته از عذاب جسمانی عذاب روحانی هم باشد و يك تالمی هم باشد فرمود ما برای اینکه رسوا بشوی و عبرت دیگران بشوی بدن تو را نجات می‌دهیم که دیگران ببینند که تو ادعای الوهیت داشتی بدنت را ببینند که این بشود عذاب الیم و گرنه سرنوشت فرعون با دیگران یکی بود همان

۱ - سوره قصص، آیه ۷۶

۲ - سوره قصص، آیه ۷۸

۳ - سوره قصص، آیه ۸۱

۴ - سوره یونس، آیه ۵۱

۵ - سوره یس، آیه ۷۸

عذاب غرق بود يك عذاب اليم به اين صورت نبود ديگر عذاب روحی و تألم درونی خب فرمود ﴿فاليوم ننجيك
ببدنك لتكون لمن خلفك آية و ان كثيرا من الناس عن آياتنا لغافلون﴾ جريان بدن و روح را در آیات فراوانی ذكر
کردند كه انسان كه می میرد روحش مستقیما در اختیار فرشتگان الهی قرار می گیرد و وفات می کند نه فوت او
متوفّا می شود آیه ده و یازده سوره مباركه سجده اين است ﴿إِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ﴾^۱ آنها كه
منكر معاد بودند می گفتند بشر كه مرد در زمین می پوسد و خاك می شود ديگر دوباره كه حیاتی نیست ﴿إِذَا ضَلَلْنَا
فِي الْأَرْضِ أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ﴾^۲ پاسخی كه ذات اقدس اله می فرماید [این است كه] ﴿بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ
كَافِرُونَ﴾^۳ شما از ملاقات پروردگار خبری ندارید و به لقاءالله كفر می ورزید این پاسخ اجمالی پاسخ تفصیلی این
است كه بدن شما در زمین می رود و جان شما كه در زمین نمی رود و گم نمی شود آن كه مربوط به جان شماست توفی
است ﴿قُلْ يَتُوفَكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ﴾^۴ توفی است آنها متوفی اند شما می شوید متوفّا. توفی و وفا و متوفّا
و مانند آن این كلمه با همه مشتقاتش در جایی به كار می رود كه چیزی زمین نماند می گویند فلان كس مستوفّا بیان
کرد مستوفّا نوشت یا دینش را استیفا كرد و حقش را استیفا كرد یعنی چیزی فروگذار نكرد فرمود چیزی از شما
فروگذار نمی شود هیچ چیزی از شما به زمین نمی افتد تمام حقیقتتان را فرشته الهی اخذ می كند ﴿قُلْ يَتُوفَكُم مَّلَكُ
الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ﴾^۵ می ماند آن بدن آن را در بخش پایانی سوره مباركه یس جواب داد كه ﴿مِنْ يَحْيِ الْعِظَامَ و
هِيَ رَمِيمٌ﴾^۶ خب ﴿قُلْ يَحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ﴾^۱ آنكه هیچ نبود و ایجاد كرد خب دوباره پراكنده را جمع می كند

۱ - سوره سجده، آیه ۱۰

۲ - سوره سجده، آیه ۱۰

۳ - سوره سجده، آیه ۱۰

۴ - سوره سجده، آیه ۱۱

۵ - سوره سجده، آیه ۱۱

۶ - سوره یس، آیه ۷۸

این که محذوری ندارد مگر بدن قبلاً موجود بود مگر این ذراتش قبلاً موجود بودند اینکه ﴿وَقَدْ خَلَقْتَكُ مِنْ قَبْلُ وَ لَمْ تَكُ شَيْئًا﴾^۱ این شیئا خبر کان نیست این کان «کان» ی تأمه است نه «کان» ی ناقصه یعنی تو شیئی نبودی یعنی کان «کان» ی تأمه است فقط فاعل می گیرد نه اسم لا شیء بودی بعد موجود شدی خب اگر انسان لا شیء بود هیچ چیز نبود بعد ذات اقدس الاله ابداعاً او را آفرید خب الان ذراتش پراکنده است دیگر جمع می کند ﴿قُلْ يَحْيٰىهَا الَّذِى اَنْشَاَهَا اَوَّلَ مَرَّةٍ﴾^۲ عمده جریان روح است که این روح اصلاً فانی نمی شود به زمین نمی افتد ﴿قُلْ يَتُوفِّكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِى وُكِّلَ بِكُمْ﴾^۳ لذا در این بخش هم فرمود که

سؤال: ... جواب: حالا تا آنکه آن متوفّا که باشد ذات اقدس الاله همه این کارها را به خودش نسبت می دهد اما آن اوحدى از انسانها مثل انبیای اولی العزم اولیا معصومین اهل بیت (علیهم السلام) آنها را ممکن است ﴿اللّٰهُ يَتُوفِّى الْاَنْفُسَ حِيْنَ﴾ هر کسی به آن حد نمی رسد که بگوید «روزی رخس بینم و تسلیم وی کنم» این آرزوی خیلی هاست آن که می رسد گروه کمی اند اوحدى از انبیا و اولیای الاهی روحشان را ذات اقدس الاله قبض می کند در مسئله نفخ روح هم این چنین است ﴿وَنَفَخْتُ فِيْهِ مِنْ رُّوحِى﴾^۴ هم این طور نیست که همه بی واسطه نفخ بشوند خیلی ها به واسطه نفخ می شوند بنابراین در صعود مثل نزول و در نزول مثل صعود مراتب محفوظ است در اینجا که فرمود ﴿فَالْيَوْمَ نَنْجِيْكَ بِيَدِنَا﴾ یعنی روح که «حَفَرَةٌ مِنْ حَفْرِ النَّارِ» این معذب است به دلیل اینکه فرمود ما الان اینها را در عذاب نگه می داریم و یوم القیامه که شد ﴿اَدْخُلُوْا آلَ فِرْعَوْنَ اَشَدَّ الْعَذَابِ﴾^۵ ﴿النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا

۱ - سورة يس، آیه ۷۹

۲ - سورة مريم، آیه ۹

۳ - سورة يس، آیه ۷۹

۴ - سورة سجده، آیه ۱۱

۵ - سورة حجر، آیه ۲۹

۶ - سورة غافر، آیه ۴۶

غداً و عشياً ﴿١﴾ يك مسیری از جهنم کبرا به قبر اینها که «حفرة من حفر النيران»^۱ است باز است که تمام آن شعله‌ها و دودها و حرارتها به این «حفرة من حفر النيران»^۲ می‌رسد بعد هم وقتی قیامت کبرا قیام کرد ﴿أدخلوا آل فرعون اشد العذاب﴾^۳ یعنی قبلاً گرفتار عذاب شدید بودند الان گرفتار اشد العذاب هستند این مربوط به برزخ آن هم مربوط به قیامت کبرا این مربوط به روحشان در هر نشئه‌ای هم بدن مناسب با آن نشئه هست در برزخ هم بدن دارند در قیامت هم بدن دارند اما این بدن عنصری دنیایی این برای اینکه عبرت قرار بگیرد این را می‌گذارند يك جایی که همه ببینند آنها که فکر می‌کردند تو ربّ و الهی مثلاً معذب نیستی از اشتباه درمی‌آیند آنها که فکر می‌کردند همیشه ﴿و قد أفلح اليوم استعلى﴾^۴ تو را می‌بینند و عبرت می‌گیرند ﴿فاليوم ننجيك ببدنك لتكون لمن خلفك آية﴾ در سوره مبارکه یوسف آیه ۱۰۵ این صورت آمده است ﴿و كائين من آيه في السموات والارض يرون عليها و هم عنها معرضون﴾^۵ بسیاری از آیات الهی است که در آسمان و زمین هست و اینها عبور می‌کنند و همان‌طور به تعبیر رایج بی تفاوت از کنارش می‌گذرند ﴿يرون عليها﴾^۶ این ﴿يرون عليها و هم عنها معرضون﴾^۷ یعنی بی تفاوت از کنارش می‌گذرند همین تعبیر رایج از آن آیه استفاده می‌شود آیات الهی را می‌بینند ولی عبرت نمی‌گیرند هم فرمود ما به عنوان آیت و عبرت بدن تو را نجات می‌دهیم لکن کثیری از مردم غافل اند يك مسئله‌ای طرح می‌شود که اگر وجود مبارك موسی و هارون (سلام الله علیهما) نفرین کردند دیگران حق نفرین دارند یا نه

۱ - من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۷۱

۲ - من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۷۱

۳ - سوره غافر، آیه ۴۶

۴ - سوره طه، آیه ۶۴

۵ - سوره یوسف، آیه ۱۰۵

۶ - سوره یوسف، آیه ۱۰۵

۷ - سوره یوسف، آیه ۱۰۵

آنها چون می‌دانند چه زمانی نفرین بکنند چه زمانی دعا بکنند چه برای خود چه برای دیگران اما دیگران چه زمانی؟ البته نسبت به افراد عادی دو تا راه دارد اگر يك کسی اهل استنباط باشد اطلاعات ادله و عمومات ادله‌ای در کار باشد خب یا دعا می‌کند یا نفرین و اما اگر اطلاقاتی و عموماتی در کار نباشد همان راهی را که وجود مبارك پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به قاضی‌ها فرمود شما برای اینکه به خطر حکم به غیر ما انزل الله نیفتید تحقیق کنید مشورت کنید و سرانجام «استفت صدرک استفت قلبک» این چند تا روایت را مرحوم صاحب وسائل (رضوان الله علیه) در کتاب قضای وسائل نقل کرده است که حضرت به بعضی از افراد در صدر اسلام فرمود که شما به تشخیص موضوعات اگر برای شما معلوم نیست حق با زید است یا با عمرو حق با مدعی است یا با منکر خب بینه هست یمین هست شواهد هست ادله هست براهین هست ولی گاهی در موضوعات گرفتار می‌شوید ولی خوب که بررسی کنید «استفت صدرک» به دلت مراجعه کن بین حق با کیست خب این يك راه بسیار مهمی است راه خوبی است این دل اگر آلوده نشود يك صدر امین است يك مفتی امین است آن فطرت خوبی است برای آدم این راه باز است منتها این راه متأسفانه نه در حوزه‌ها از این راه خبری است نه در دانشگاه‌ها که راه دل باشد که انسان از راه ﴿و یزکیهم﴾^۱ از راه تطهیر از راه آیینہ کردن این دل را به يك سمتی نگه بدارد که احکام و اسرار الاهی در آن دل بتابد ما گرفتار گوش و چشم هستیم کتابهایی را می‌خوانیم و حرفهایی را هم از دیگران می‌شنویم اما يك راه درونی هم هست که اگر آن را طی کردیم دل را تطهیر کردیم این دل به منزله آینه است اسرار الاهی در آن می‌تابد این چندتا روایت يك مقدارش در همین بحثهای تفسیری خوانده شد مرحوم صاحب وسائل در کتاب القضا ذکر می‌کند که حضرت به قاضی می‌فرماید که از صدرت و از دلت استفتا بکن او فتوا می‌دهد در جریان دعا و نفرین هم

همین‌طور است اگر اطلاعات و عمومی‌بود که انسان می‌تواند از آنها استنباطِ حکم دعا و نفرین بکند نشد به قلبش مراجعه بکند.

«والحمد لله رب العالمین»